

مشکل ایران فعالیت اتمی نیست سیاست جنگی- اتمی حاکم است

از دوشنبه گذشته تا این دوشنبه که شماره جدید راه توده منتشر می شود، حوادثی در کشور رخ داد، که نه تنها تأیید کننده نگاه ما به اوضاع ایران در سرمقاله شماره گذشته بود، بلکه بیش از پیش نشان داد درک آنچه در حاکمیت نظامی- امنیتی با رویکرد سیاست جنگی می گذرد، جز با مسلح بودن به دیدگاه و مشی توده ای ممکن نیست.

این حوادث به ماجرای سخنرانی پالیزدار از یاران احمدی نژاد در همدان خلاصه نمی شود. موضع گیری های تند و تیز اتمی علی لاریجانی رئیس مجلس هشتم که می کوشد یگانه سخنگوی فرماندهان طرفدار سیاست اتمی- نظامی شود نیز، در نوع خود بخش دیگری از تقابل های دو جناح راست در حاکمیت است. بحث نه بر سر اخباری است، که ما بر این تصوریم که همگان کم و بیش آن را دنبال می کنند، بلکه بحث بر سر تقابلی است که سمت گیری آن به سوی نوعی تقابل نظامی است. حاکمیتی که سیاست نظامی- امنیتی را پیش می برد، ترکیبی است از بدنام ترین ماموران امنیتی، کسانی که در ترورهای داخل و خارج از کشور دست داشته اند، گروه های فشار دو دهه، بازجویان دهه ۶۰ زندان ها، بدنام ترین معاونین و مدیران کل وزارت اطلاعات و امنیت، در کنار و در رکاب سرمایه داری تجاری- نظامی وابسته به سپاه پاسداران از یکسو و سرمایه داری تجاری سنتی از سوی دیگر. در این میان پول سرشار نفت به کیسه هر دو طرف وصل است و البته سهم شیر در حاکمیت نظامی به فرماندهان سپاه می رسد. بزرگترین بودجه علنی و محرمانه در خدمت سیاست اتمی- نظامی هزینه می شود و در این میان شرکت های تجاری- نظامی بیشترین سود آلوده به فساد و غارت را می برند. دستاوردهای اتمی ایران به جای آنکه در خدمت منافع ملی کشور باشد، به سپر دفاعی دو طرف در تقابل با یکدیگر تبدیل شده است. این بخش از تقابل، حتی اگر آلوده به بازی های سیاسی هم باشد، خطری است که روز به روز بیشتر عیان می شود، بویژه آنکه در هر دو سو این تصور شوم وجود دارد که حمله نظامی به ایران راه را برای قدرت برتر شدن جناح او هموار می کند. تفاوت نمی کند که این طیف در مجلس باشد یا در دولت، امام جمعه باشد یا عضو مجلس خبرگان و یا دیگر ارگان های حکومتی. آنها در خدمت هر دو طرف، در هر دو جناح حضور دارند و بخشی از سپاه و لشکر تقابل اند.

در چنین تنگنایی که حاکمیت با انواع گرد و خاک ها می کوشد مردم را از واقعیت تقابل ها دور نگهدارد، یگانه راه حل رساندن واقعیات به گوش مردم است. بحث این نیست که بسته پیشنهادی پذیرفته شود یا نشود، غنی سازی متوقف شود یا نشود، بحث اصلی آنست که مردم علیه سیاست نظامی و جنگی حاکم بسیج شوند. تکلیف انرژی اتمی و دستاوردهای اتمی ایران نیز در این بسیج و مخالفت روشن شده و این دستاورد نیز مانند همه امور دیگر زمانی در مسیر ملی قرار می گیرد که از مسیر ماجراجویی و قدرت طلبی منطقه ای حاکمیت خارج شده و هدایت آن به دولتی ملی و طرفدار وحدت ملی سپرده شود. دولتی غیر نظامی و بی حضور آن طیفی که در بالا از آنها یاد شد. حاکمیت کنونی، با زیرکی می کوشد پشت سنگر دفاع از دستاوردهای اتمی پنهان شود، درحالیکه مرکزی ترین موضوع، نه دستاوردهای اتمی، بلکه سیاست جنگی حاکم است. سایه این سیاست در داخل کشور بر تمام امور جاری و حتی معیشتی مردم روز به روز گسترده تر می شود.

از این نقطه به بعد است که مسیر جنبش مردم از مسیر تقابل دو جناح حاکم جدا می شود، درعین حال که باید از این تقابل نیز در خدمت جنبش تحول خواهی مردم و مقابله با سیاست جنگی بهره گرفت. هر نوع اتحاد- حتی در موقت ترین زمان- بر محور مقابله با این سیاست

باید شکل بگیرد، چرا که نیاز جامعه و جنبش و مردم همین است. همچنان که آغاز ایجاد تحولات در حاکمیت و یا حتی فراتر از آن چنین است.

راه توده ۱۸۳ ۳۰,۰۶,۲۰۰۸

راه توده